



اعتراض به «رای دادگاه» چه مراحل دارد؟

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، «آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون» است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع «اعتراض به رای دادگاه» را بررسی کنیم.

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، «آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون» است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع «اعتراض به رای دادگاه» را بررسی کنیم.

گاهی در دعاوی و زنجی ای که مطرح می کنیم یا بر علیه ما مطرح می کنند، رأیی به ضرر ما صادر می شود اما باید این نکته را در نظر داشت که این آخر راه نیست و کسی که حکم علیه او صادر شده است، می تواند از طرق مختلف به این رأی صادره اعتراض کند.

یکی از تقسیم بندی های اولیه در ارتباط با طرق اعتراض به آرا، تفکیک طرق عادی از طرق فوق العاده است. طرق عادی اعتراض شامل:

۱. واخواهی است که در مورد حکم غیابی صورت می گیرد؛

۲. تجدید نظرخواهی که مربوط به آرای حضوری است.

در مورد اصطلاح حضوری یا غیابی بودن آرا، لازم به توضیح است که حکم دادگاه در تمامی موارد حضوری است مگر این که خواننده و دعوی یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده و زنجی قانونی او (یعنی ولی یا قیم او) در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده باشد و به طور کتبی نیز دفاع نکرده باشد یا اخطار به های دادگاه به او ابلاغ واقعی نشده باشد. (منظور از ابلاغ واقعی اوراق دعوی، تحویل آنها به شخص مخاطب اوراق است.) در چنین حالتی، حکم صادره غیابی محسوب می شود و اگر حکم غیابی علیه ما صادر شده بود مدت ۲۰ روز برای افراد مقیم در ایران و دوماه برای افراد مقیم خارج از ایران مهلت واخواهی در نظر گرفته شده است مگر این که عذر موجهی همچون بیماری و زنجی ای که مانع از حرکت است یا حوادث قهری مثل سیل و زلزله و ... یا در حبس یا توقیف بودن و ... وجود داشته باشد که باید در اولین فرصت پس از رفع عذر برای واخواهی اقدام نمایید. در حقیقت واخواهی حق و زنجی محکوم علیه غایب برای اعتراض به حکمی است که به ضرر او صادر شده است. چنین شخصی می تواند دادخواست واخواهی خود را به همان مرجعی که رأی را صادر کرده است، تقدیم نماید.

در خصوص واخواهی بیان چند نکته مناسب به نظر می رسد: اول این که واخواهی صرفاً حق محکوم علیه (کسی که حکم به زیان او صادر شده باشد) است و نه محکوم له. دوم این که برای واخواهی حتماً حکم باید غیابی صادر شده باشد و احکام نسبت به خواهان دعوی همیشه حضوری محسوب می شود. و در نهایت این که اعتراض به حکم غیابی هم در مرحله و زنجی بدوی و هم در مرحله و زنجی تجدیدنظرخواهی امکان پذیر است.

چنانچه رأیی که بر علیه ما صادر شده، حضوری باشد، تنها راه اعتراض به آن تجدیدنظرخواهی است. در امور حقوقی، صرفاً دعاوی مالی و زنجی ای که خواسته و زنجی آنها تا مبلغ سه میلیون ریال (سیصد هزار تومان) باشد قابل تجدید نظر نخواهد بود و در سایر موارد اگر رأیی به ضرر ما صادر شده باشد و ما حق تجدیدنظرخواهی خود را با توافق کتبی از بین نبرده باشیم، اصولاً قابل تجدیدنظرخواهی است.

اما مرجع تجدیدنظرخواهی کدام است و ظرف چه مهلتی باید تجدیدنظرخواهی کرد؟

چنانچه رأیی که به ضرر ما صادر شده است، از سوی شورای حل اختلاف صادر شده باشد، ظرف ۲۰ روز مهلت تجدیدنظرخواهی از تاریخ ابلاغ رأی برای ما وجود دارد اما مرجع تجدیدنظرخواهی، حسب مورد دادگاه عمومی حقوقی (در امور حقوقی) یا کیفری دو (در امور کیفری) همان حوزه و زنجی قضائی خواهد بود و چنانچه رأیی که بر علیه ما

صادر شده است از سوی دادگاه^۱؛ های عمومی و انقلاب هر حوزه^۲؛ ای صادر شده باشد، مرجع تجدیدنظر خواهی، دادگاه تجدید نظر مرکز همان استان است. مهلت تجدیدنظر خواهی در این مورد اخیر، نیز برای افراد مقیم ایران بیست روز و برای افراد مقیم در خارج از کشور دو ماه است.

نکته^۳؛ ای که باید به آن توجه نمود این است که پس از مرحله^۴؛ تجدیدنظر خواهی اصولاً آرای صادره قطعی خواهند شد و وارد مرحله^۵؛ اجرا می^۶؛ شوند.

از طرق عادی اعتراض به آرا که بگذریم، طرق فوق^۷؛ العاده^۸؛ اعتراض نسبت به آرای محاکم عبارتند از:

۱. فرجام^۹؛ خواهی؛

۲. اعاده^{۱۰}؛ دادرسی؛

۳. اعتراض ثالث.

فرجام خواهی و اعتراض ثالث

با توجه به این که بررسی همه^{۱۱}؛ رو^{۱۲}؛ ش^{۱۳}؛ ها در این نوشتار امکان پذیر نیست، در این جا صرفاً یک مرور اجمالی در ارتباط با فرجام خواهی و اعتراض ثالث خواهیم داشت زیرا این دو مورد کاربرد بیشتری دارند.

فرجام^{۱۴}؛ خواهی عبارت است از تشخیص مطابقت یا عدم مطابقت رأی صادره با موازین شرعی و مقررات قانونی. با توجه به این که فرجام^{۱۵}؛ خواهی یکی از طرق فوق^{۱۶}؛ العاده^{۱۷}؛ اعتراض به آراست در هر مورد نمی^{۱۸}؛ توان از این روش برای اعتراض استفاده کرد .

در مورد آرای دادگاه^{۱۹}؛ های بدوی (نخستین) که به علت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته، مهمترین موارد فرجام^{۲۰}؛ خواهی عبارتند از :

۱. احکامی که خواسته^{۲۱}؛ ای آن بیش از بیست میلیون ریال باشد؛

۲. احکام راجع به اصل نکاح (ازدواج) و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث (منظور وصیت تا یک سوم اموال است که هر شخصی می^{۲۲}؛ تواند راجع به آن وصیت کند)، حبس (منظور حبس منافع یک مال است) و تولیت (که منظور امور مربوط به اداره^{۲۳}؛ ای مال موقوفه است) .

و آرای دادگاه^{۲۴}؛ های تجدیدنظر استان قابل فرجام خواهی نیستند مگر در مورد احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر و وقف که به عنوان مهم^{۲۵}؛ ترین مورد فرجام خواهی مطرح می^{۲۶}؛ شوند.

مهلت فرجام^{۲۷}؛ خواهی برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز و برای اشخاص مقیم خارج دو ماه خواهد بود. در مورد احکام قابل فرجام خواهی، دادگاه تجدید نظر استان از روز ابلاغ مهلت فرجام^{۲۸}؛ خواهی را تعیین می^{۲۹}؛ کند و برای احکام قابل تجدید نظر، دادگاه بدوی که نسبت به آن تجدیدنظر خواهی نشده از تاریخ انقضای مهلت تجدیدنظر مهلت جدید تعیین می^{۳۰}؛ کند. مرجع صالح برای فرجام خواهی دیوان عالی کشور است.

یکی دیگر از طرق فوق^{۳۱}؛ العاده^{۳۲}؛ اعتراض، بحث اعتراض ثالث است و منظور از ثالث در اینجا شخصی غیر از خواهان و خوانده^{۳۳}؛ ای دعوی است. اگر در خصوص دعوی، رأی صادر شود که به حقوق اشخاص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده^{۳۴}؛ ای او در دادرسی که منتهی به صدور رأی شده است به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد، می^{۳۵}؛ تواند نسبت به آن رأی اعتراض نماید. در این موارد شخص ثالث حق دارد به هر گونه رأی صادره از دادگاه^{۳۶}؛ های عمومی، انقلاب و تجدید نظر اعتراض کند و نسبت به حکم داور نیز کسانی که خود یا نماینده^{۳۷}؛ ای آنان در تعیین داور شرکت نداشته^{۳۸}؛ اند، می^{۳۹}؛ توانند به عنوان شخص ثالث اعتراض کنند. اعتراض شخص ثالث باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رأی مورد اعتراض باشد و به دادگاهی تقدیم می^{۴۰}؛ شود که رأی مورد اعتراض را صادر کرده است. اعتراض ثالث تنها روش اعتراضی است که مقید به مهلت ۲۰ روزه و دو ماهه نیست.